

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴، شماره ۳۳

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۰۵-۲۳۶

بازیابی منابع الکافی در پرتو تحلیل کارکرد حلقه مشترک با تأکید بر نقش حلقه مشترک حسن بن محبوب

مهدی پیچان*

نصرت نیل ساز**

چکیده

حلقه مشترک،^۱ راوی تکرارشونده در سندهای مجموعه روایات یک اثر روایی (تک‌نگاشت یا جامع روایی) است که دارای مشایخ متعدد بوده و از این رو پس از نام وی در سوی متقدم اسانید پراکندگی و انشعاب وجود دارد. در این نوشتار با الهام از روشی بر پایه تحلیل کارکرد حلقه مشترک و با ارائه نکاتی در راستای تعمیق آن، بازیابی منابع الکافی در پرتو واکوی سلسله سند علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از حسن بن محبوب از علی بن رناب از زراره، از پرتکرارترین سندهای آن در دستور کار قرار گرفت. رهاورد این تحقیق علاوه بر بازیابی و شناسایی برخی از منابع کلینی در الکافی، نشان‌دهنده ضرورت توجه به انشعابات قسمت متأخر سند و شاگردان و راویان برجسته یک راوی در عین توجه به انشعابات قسمت متقدم سند و مشایخ راوی در راستای بازیابی منابع است؛ امری که به خصوص در سلسله سند یادشده و حلقه مشترک حسن بن محبوب قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: بازیابی منابع، حلقه مشترک، الکافی، علی بن ابراهیم قمی، حسن بن محبوب.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران/ mehdi_pichan@modares.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)/ nilsaz@modares.ac.ir

۱. مقدمه

از اواخر قرن دوم، بررسی وثاقت حدیث در میان محدثان شیعه بیشتر مبتنی بر تحلیل کتاب‌شناسی حدیث بود؛ یعنی نقد و بررسی متن حدیث براساس کتابی که از آن اخذ شده و نه بر پایه سلسله روایان حدیث. تحلیل کتاب‌شناسی حدیث بر مسائلی از این دست استوار بود که کدام راوی مؤلف کتاب است، کتاب او در چه پایه‌ای از اعتبار است، از این کتاب چند نسخه و تحریر در دست است، طریق دستیابی به متن هر یک کدام است و ... روش نقد محدثان شیعی که بر تحلیل کتاب‌شناسی بنیان نهاده شده بود، در کنار تدوین کتب رجال که به بررسی وثاقت روایان حدیث می‌پرداخت، به شکل‌گیری کتبی با عنوان فهرست انجامید که در آن از اعتبار آثار مکتوب حدیثی سخن می‌رفت. منشأ رواج نگارش کتب فهرست را باید در مبنای کتاب‌محور محدثان قدیم شیعی جست. از جمله مؤلفان و مدونان کتب فهرست می‌توان به سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱)، حمید بن زیاد کوفی (م ۳۱۰)، محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۳)، جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۰)، محمد بن علی بن بابویه (م ۳۸۱) و احمد بن حسین بن عبیدالله بن غضائری (م ۴۱۱) اشاره داشت (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۰۹ و ۲۱۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳، ۲۵۴، ۲۵۷ و ۳۷۳). در قرن پنجم دو شخصیت علمی امامیه یعنی محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰) و احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰) دست به تألیف کتاب فهرست زدند. جامعیت و اعتبار این دو فهرست و مشتمل بودن آن‌ها بر فهارس پیشین، موجب فراموشی فهرست‌های گذشته شد؛ همانند آنچه پس از تألیف کتب اربعه در باب اصول و مصنفات محدثان قدیم شیعه رخ داد.

در گذر ایام و به دلیل وجود عناصر زمینه‌ای و زمانه‌ای، نگرش محدثان شیعی از تحلیل کتاب‌شناسی به تحلیل رجالی تغییر یافت. نقطه عطف این تحول در آرای رجالی ابن طاووس حلی (م ۶۷۳) و محقق حلی (م ۶۷۶) به گونه‌ای آشکار بروز و ظهور یافت. اندیشه رجالی ابن طاووس و محقق حلی که مبتنی بر تقسیم روایان به ثقه و ضعیف و پذیرش حدیث براساس حال روایان بود، به دست دو شاگرد ایشان یعنی ابن داوود حلی (م ۷۰۷) با تألیف کتاب الرجال و علامه حلی (م ۷۲۶) با تألیف خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال پی گرفته شد و نهادینه گشت. با چیرگی مکتب رجالی حله، احوال رجال مبنای قبول و رد حدیث قرار گرفت و فواید کتاب‌شناسانه فراوانی ناخودآگاه از نظرها دور افتاد (برای تفصیل ر.ک: عمادی حائری، ۱۳۹۴:

بازیابی منابع الکافی در پرتو تحلیل کارکرد حلقه مشترک با تأکید بر نقش... مهدی پیچان و نصرت نیل ساز ۲۰۷

۳۳-۵۰؛ مددی، ۱۳۹۴: ۷۸-۱۲۵). با این اوصاف، می‌توان به جایگاه بازیابی و بازسازی متون کهن حدیث در تحلیل کتاب‌شناسی حدیث و تعیین اصالت و وثاقت روایات پی برد. این‌گونه است که می‌توان در نقد حدیث همانند محدثان متقدم شیعی، از منظر کتاب‌شناسی نیز به روایات نگریست و به نقد و ارزیابی وثاقت سلسله راویان محدود نماند.

از میان متون کهن حدیث شیعه، بازیابی منابع کافی، متقدم‌ترین کتاب از مجموعه کتب اربعه حدیث شیعه، اهمیت خاص‌تری دارد؛ چراکه برخلاف شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب و استبصار، شیخ کلینی نه در مقدمه کافی منابعش را معرفی کرده و نه مانند شیخ صدوق و شیخ طوسی بخشی مجزا به نام مشیخه برای کتابش در نظر گرفته است. وجود تعابیری چون «اخبرنی» و «حدّثنی» در سند روایات کافی که در نگاه سطحی و ابتدایی مشعر به نقل شفاهی این روایات است، دلیل دیگری بر ضرورت بازیابی منابع کافی و نشان دادن مبتنی بودن این کتاب بر منابع مکتوب پیش از خود است. از دیگر دلایل ضرورت چنین اقدامی آنکه به عقیده برخی از محققان همچون مددی و مدرسی طباطبایی، تدوین میراث حدیثی شیعه از ابتدا شاهد دو جریان فکری اعتدال (که افرادی مانند ابان بن تغلب، محمد بن مسلم، زرارة بن اعین و بسیاری دیگر از راویان بزرگ در آن جای داشتند) و غلو (شامل افرادی چون جابر بن یزید جعفی، مفصل بن عمر، محمد بن سنان و برخی دیگر که گاه در کتب رجال با عنوان فاسدالمذهب از آن‌ها یادشده) بوده است. این دو خط فکری به‌طور متمایز تا اوایل قرن چهارم ادامه یافت ولی از این پس تمایز این دو خط از میان رفت. به عقیده این محققان عامل اصلی این آمیختگی شیخ کلینی است که نجاشی او را «اوثق الناس فی الحدیث و أثبتهم» معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۷)؛ چراکه کلینی مقداری از میراث مقبول جریان غلو را که مطابق معیارهای خود صحیح می‌دانست در کافی درج کرد (مددی، ۱۳۹۴: ۹۵ و ۹۶؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱ و ۱۰۲) که از نمونه‌های آن می‌توان به کتاب اخبار السید اسحاق بن محمد احمر نخعی اشاره کرد (باقری، ۱۳۹۶: ۹-۲۸). این امر بازیابی منابع و عنایت به تحلیل کتاب‌شناسی در کنار تحلیل رجالی در خصوص واریسی صحت روایات کافی را بیش از پیش ضروری می‌نمایاند.

در راستای بازیابی منابع کافی محققان متعددی دست به قلم برده‌اند که از جمله آثار آن‌ها می‌توان به «مسائل محمد بن مسلم در کافی کلینی» (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۴۷-۷۶)، «کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف کافی» (سرخه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۴-۵۸)، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی» (حمادی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۸۱-۲۰۶)، «جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی» (اثباتی و طباطبایی پور، ۱۳۹۳: ۲۹-۵۲)، «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی» (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۳۶)، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق» (باقری، ۱۳۹۶: ۹-۲۸)، «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی» (اثباتی و طباطبایی پور، ۱۳۹۶: ۲۶۵-۲۸۸)، «بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار اهوازی با تکیه بر بخش اصول الکافی» (ملکی تراکمه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۶-۶۸) و «النوادر اشعری مصدر حدیثی الکافی کلینی» (قاسم پور و علی اکبریان، ۱۳۹۶: ۹-۳۳) اشاره کرد.

تحلیل و ارزیابی مقالات یادشده نمایانگر آن است که نویسندگان آن‌ها در موارد معدودی با تصریح و در اکثر موارد بدون تصریح، از روش مدرسی طباطبایی که در مقدمه کتاب میراث مکتوب شیعه تبیین نموده یا از روش شبیری زنجانی در مقاله «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبه» (۱۴۱۹ق: ۱۸۷-۲۳۸) بهره برده‌اند. در تحقیقاتی که محققان دامنه تحقیق خود را محدود به روایات شخصی خاص مثل محمد بن مسلم، علی بن مهزیار و اسحاق بن محمد یا محدود به بخش مشخصی از کافی با موضوع واحد مثل روایات اعتقادی یا روایات تاریخی کرده‌اند و یا فقط به تطبیق روایات یک اثر مشخص مثل النوادر اشعری با روایات کافی پرداخته‌اند، نتایج تحقیق از دقت و عمق بهتری نسبت به تحقیقات با دامنه تحقیق کلی و وسیع مانند مقاله حمادی و حسینی و یا قربانی برخوردارند. در نظر داشتن تطبیق موضوعی روایات با موضوع آثار محتمل به عنوان منبع کافی علاوه بر بررسی‌های سندی از جمله محاسن برخی از این تحقیقات است؛ امری که در بعضی از این مقالات لحاظ نگردیده و محققان صرفاً به بررسی‌های سندی اکتفا کرده‌اند. بررسی احتمالات گوناگون درباره منبع بودن، منبع نبودن یا صرفاً راوی بودن یک شخص با استفاده از شواهد و قراین مزیت دیگر برخی از این تحقیقات مانند تحقیق سرخه‌ای

است؛ درحالی‌که برخی تحقیقات با لحنی قطعی و یقینی به منبع بودن آثار یک شخص بدون یادکرد از احتمالات دیگر اشاره کرده‌اند.

از دیگر تحقیقات در راستای بازیابی منابع کافی کلینی، مقاله «تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی روایات علی بن ابراهیم در الکافی» (حدادی و همکاران، ۱۴۰۰: ب: ۲۷۱-۲۹۳) است. نویسندگان این مقاله با تبیین و تحلیل نظرات اندیشورانی چون سزگین (برای تفصیل ر.ک: نیل‌ساز، ۱۳۹۳: ۳۲۱-۳۴۶)، شبیری زنجانی (برای تفصیل ر.ک: حدادی و همکاران، ۱۴۰۰: الف: ۱۳۳-۱۵۴) و مدرس طباطبایی، به ارائه الگویی روشمند در راستای بازیابی منابع متون حدیثی در قالب نه گام بر پایه نقش حلقه مشترک در سلسله اسانید روایات مبادرت ورزیده‌اند. این نه گام عبارت‌اند از: ۱. استخراج و دسته‌بندی اسانید؛ ۲. تعیین حلقه‌های مشترک؛ ۳. شناسایی حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ ۴. بررسی کارکرد حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ ۵. اطمینان از انتساب و عنوان کتاب؛ ۶. مقابله متون؛ ۷. تطبیق طرق با سند روایات؛ ۸. بررسی موضوعی-آماری؛ ۹. بررسی شواهد فرعی.

مقایسه روش یادشده در بازیابی منابع متون حدیثی با سازوکار تحقیقات پیشین حاکی از آن است که این روش دارای مزایایی از این قبیل است: مرحله‌ای بودن روش و مشخص بودن اولویت‌ها، رعایت کردن اصل یکنواختی در اجرای روش در نمونه‌ها، مواجهه عملی صحیح با سند و شروع ارزیابی از ابتدای سند (متأخرترین بخش سند)، محدود بودن دامنه تحقیق به دسته‌ای از روایات با سلسله سند مشخص، توجه به تطبیق موضوعی روایات با موضوع آثار محتمل به‌عنوان منبع متون حدیثی در کنار بررسی‌های سندی، لحاظ نمودن احتمالات متعدد درباره یک راوی به‌عنوان منبع، منبع منبع و یا راوی اثر متقدم بودن.

در جستار حاضر، با الهام از الگوی مذکور و با ارائه نکاتی در راستای تعمیق آن، حلقه‌های مشترک در دسته‌ای از اسانید پرتکرار الکافی یعنی علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از حسن بن محبوب از علی بن رناب از زراره، مشخص و کارکرد آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. شایسته بیان است که در این مقاله به‌منظور نشان دادن ضرورت توجه به انشعابات قسمت متأخر سند و شاگردان و راویان برجسته یک راوی در عین توجه به انشعابات قسمت متقدم سند و مشایخ راوی در راستای بازیابی منابع، گام‌های سه تا نه ذیل نام هر طبقه از راویان برداشته شده و به‌واسطه این

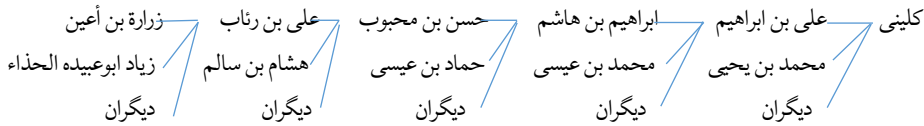
اقدام، برخی از منابع کلینی در الکافی به عنوان یکی از برجسته ترین جوامع حدیثی شیعه شناسایی شده اند.

۲. تعیین حلقه های مشترک از طریق استخراج و دسته بندی اسانید

در ابتدا اولین طبقه مشایخ کلینی به دقت بررسی می شوند. از میان این اشخاص، آنانی که روایات خود را از مشایخ متعدد (بیش از دو نفر) دریافت کرده اند، به عنوان طبقه اول حلقه های مشترک مشخص می شوند. پرتکرارترین حلقه های مشترک این طبقه، علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن یحیی العطار قمی و عده کلینی هستند. در این تحقیق از میان مشایخ مستقیم کلینی، با معیار بیشترین فراوانی، علی بن ابراهیم انتخاب شده است. به منظور شناسایی طبقه دوم حلقه های مشترک به سراغ مشایخ علی بن ابراهیم رفته و با معیار تعدد مشایخ، حلقه های مشترک را مشخص می کنیم. برجسته ترین حلقه های مشترک طبقه دوم براساس بیشترین میزان فراوانی، ابراهیم بن هاشم و محمد بن عیسی بن عبید هستند. از آنجاکه اکثریت قریب به اتفاق روایات علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم نقل شده است (۴۸۱۹ روایت از ۵۶۳۰)^۲؛ از این رو، تحقیق خود را به ابراهیم بن هاشم محدود کرده ایم.

ابراهیم بن هاشم این روایات را از ۱۴۳ نفر از مشایخ خود نقل کرده است. هرچند ابن ابی عمیر پرتکرارترین حلقه مشترک طبقه سوم است، به دلیل آنکه در تحقیقی دیگر بدان پرداخته شده و نیز به منظور ارائه اقدامی ضروری در راستای بازیابی منابع آثار روایی که به خصوص در حلقه مشترک حسن بن محبوب در این شاخه سندی آشکار می گردد، در این تحقیق وی را که یکی دیگر از مشایخ برجسته ابراهیم بن هاشم است انتخاب نموده ایم. در میان مشایخ حسن بن محبوب، بیشترین روایات از علی بن رئاب کوفی نقل شده است. از ۷۳ روایتی که با سند علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب به علی بن رئاب می رسد، ابن رئاب ۱۵ روایت را از زرارۀ بن أعین و باقی را از افراد دیگر نقل کرده است. این تعداد افراد از مشایخ، برای قبول نقش حلقه مشترک درباره علی بن رئاب کفایت می کند. علی بن رئاب آخرین حلقه مشترک در سلسله مورد نظر است. از آنجاکه زرارۀ از اولین طبقه روایان محسوب می شود، می تواند بی آنکه حلقه مشترک باشد، منبع باشد. تمامی حلقه های مشترک این دسته از روایات، صاحب

تألیف‌اند. در ادامه و براساس طبقات روایان به چگونگی ارتباط موضوعی آثار ایشان با بخش‌های مختلف کتاب کافی پرداخته و احتمال منبع بودن، منبع منبع بودن و یا راوی بودن آن‌ها برای کلینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



۳. علی بن ابراهیم

نجاشی و شیخ طوسی تألیفات متعددی را برای علی بن ابراهیم نام برده‌اند. تألیفاتی از قبیل کتاب التفسیر، کتاب الناسخ و المنسوخ، قرب الإسناد، الشرائع، کتاب الحیض، کتاب المغازی، کتاب التوحید والشرك، فضائل امیرالمؤمنین، کتاب الانبیاء، جوابات مسائل سألها عنها محمد بن بلال، کتاب المناقب، اختیار القرائات و روایاته، رساله فی معنی هشام و یونس و کتاب المشذر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۶). بیان طرق گوناگون شیخ طوسی و نجاشی به تألیفات علی بن ابراهیم قرینه‌ای بر شهرت آثار او و اقتباس محدثان از آن‌هاست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۶). اگرچه در کتب فهرس طریقی که نمایانگر دسترسی کلینی به آثار علی بن ابراهیم باشد، ذکر نشده است، شیخ طوسی در مشیخه تهذیب الاحکام، سه طریق از چهار طریق خود به آثار علی بن ابراهیم را به واسطه محمد بن یعقوب کلینی بیان داشته است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۹). نجاشی با برشمردن صفاتی چون «ثقة فی الحدیث»، «ثبت»، «معمد» و «صحیح المذهب» به وثاقت و جلالت قدر علی بن ابراهیم اشاره داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰). شواهد و قراین یادشده بیش از پیش احتمال بهره جستن کلینی از آثار استاد خویش علی بن ابراهیم در تألیف کافی را فزون می‌بخشد که در ادامه به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) سند ۶۳ روایت از ۲۱۵ روایت کتاب التوحید^۳ کافی یعنی حدود ۳۰ درصد از مجموع روایات آن با نام علی بن ابراهیم آغاز می‌شود. با عنایت به آنکه علی بن ابراهیم کتابی با عنوان التوحید و الشرك دارد، احتمال می‌رود که کلینی از این کتاب به‌عنوان منبع بهره برده باشد.

ب) تألیف کتاب‌های مسائل در میان محدثان و اصحاب ائمه علیهم‌السلام رواج بسیار داشته است. این کتاب‌ها به منزله مجموعه استفتائات در زمان ما بوده و غالباً مشتمل بر سؤالات فقهی‌اند (ر.ک: سرخه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۲-۴۷). در مورد اخذ کلینی از کتاب جوابات مسائل سألّه عنها محمد بن بلال به مثابه یک منبع، با عنایت به بررسی‌های سندی، این امر منتفی است؛ زیرا در سند هیچ‌یک از روایات کافی اسمی از محمد بن بلال نیامده چه برسد به آنکه نام علی بن ابراهیم و محمد بن بلال هم‌زمان دیده شود؛ حال آنکه ماهیت کتاب‌های مسائل بر پرسش و پاسخ میان دو نفر و ذکر تعابیری مانند «کتبت الی... أسألّه... فکتب/ فأجاب/ فوقع» است.

پ) ۴۲۵۳ روایت از مجموع ۵۶۳۰ روایتی که کلینی از علی بن ابراهیم در کافی نقل کرده در بخش فروع کافی از کتاب الطهاره تا کتاب الأیمان و الذنور و الکفارات قرار گرفته و مرتبط با مسائل فقهی است. با عنایت به آنکه علی بن ابراهیم کتابی با عنوان الشرائع دارد و این عنوان می‌تواند مرتبط با تمامی ابواب فقهی باشد و از آنجاکه روایات فروع کافی به نوعی در حیطه شرایع می‌گنجد، احتمال منبع بودن این کتاب برای کلینی مطرح است.

ت) از جمله کتاب‌های بخش فروع کافی کلینی، کتاب الحیض است. در سند ۳۵ روایت از ۹۲ روایت کتاب الحیض نام علی بن ابراهیم دیده می‌شود. البته باید توجه داشت به منظور یافتن روایات مرتبط با مسئله حیض تنها به جست‌وجوی ذیل روایات کتاب الحیض نباید اکتفا کرد چراکه کلینی ضمن روایات کتاب الطلاق نیز بر حسب موضوع و عناوین ابواب مختلف به این مسئله پرداخته است. برای نمونه در روایات ذیل باب تفسیر طلاق السنّة و العدة و ما یوجب الطلاق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۶۵ و ۶۶)، باب النساء اللّاتی یطلقن علی کل حال (همان، ج ۶: ۷۹) و باب طلاق اهل الذمّة و عدّتهم فی الطلاق (همان، ج ۶: ۱۷۴)، از عده طلاق و وفات و مدت زمانی که زن نمی‌تواند پس از جدایی از شوهر یا وفات او به عقد شرعی کسی درآید سخن گفته و از شرایط آن براساس دیدن یا ندیدن خون حیض، تعداد دفعات دیدن خون حیض و پاکی از آن صحبت کرده است که در این روایات نیز اسم علی بن ابراهیم در سند برخی روایات دیده می‌شود. با عنایت به آنکه علی بن ابراهیم کتابی با عنوان کتاب الحیض دارد، احتمال منبع بودن آن برای کلینی در این‌گونه روایات می‌رود. کثرت روایات علی بن ابراهیم به نسبت مجموع روایات مرتبط با این مسئله شاهدهی است که این احتمال را تقویت می‌بخشد.

ث) یکی از تألیفات علی بن ابراهیم کتاب الناسخ و المنسوخ است. در کافی کلینی کتاب یا باب مستقل و مجزایی به ناسخ و منسوخ اختصاص داده نشده و روایات مرتبط با این موضوع در بخش های سه گانه اصول، فروع و روضه پراکنده شده است. در سند بیشتر روایات مرتبط با مسئله ناسخ و منسوخ نام علی بن ابراهیم به چشم می آید. روایاتی ذیل ابواب «النهی عن القول بغير علم» (همان، ج ۱: ۴۳)، «اختلاف الحديث» (همان، ج ۱: ۶۲)، «ان الراسخين هم الائمة» (همان، ج ۱: ۲۱۳)، «دخول الصوفية على ابي عبدالله» (همان، ج ۵: ۶۶)، «النكاح الذميه» (همان، ج ۵: ۳۵۸) و «حديث نوح يوم القيامة» (همان، ج ۸: ۲۷۰). با این اوصاف منبع بودن کتاب الناسخ و المنسوخ علی بن ابراهیم برای کلینی محتمل است.

ج) یکی از آثار علی بن ابراهیم کتاب اختیار القرائات و روایاته است. در میان کتاب ها و ابواب مختلف کافی می توان حدس زد که کلینی روایات مرتبط با این موضوع را ذیل کتاب فضل القرآن آورده باشد. در سند ۳۷ روایت از مجموع ۱۲۴ روایت کتاب فضل القرآن، نام علی بن ابراهیم دیده می شود. به رغم آنکه مضمون برخی از این ۳۷ روایت به طور مشخص تری با بحث قرائات مرتبط است، امکان وجود روایات هرکدام از ابواب این کتاب در اختیار القرائات و روایاته وجود دارد و نمی توان آن را به باب خاصی محدود کرد؛ زیرا اگرچه موضوع اثر وی درباره مبحث قرائات است، ممکن است مثلاً از باب مقدمه به روایات اجر و پاداش قاریان قرآن و یا اجر کسانی که قرآن را به مشقت یاد می گیرند نیز اشاره کرده باشد. با این بیان احتمال منبع بودن کتاب علی بن ابراهیم در این روایات وجود دارد. قرینه تقویت کننده این احتمال کثرت روایات علی بن ابراهیم در این موضع است.

چ) در میان نگاهشده های علی بن ابراهیم به سه کتاب فضائل امیرالمؤمنین، الانبیاء و المناقب اشاره شده است. براساس سنخیت موضوعی بخش های مختلف کافی با موضوع کتب یادشده می توان گفت که کلینی بیشتر روایات مرتبط با این موضوع را ذیل کتاب الحجج آورده است. دقت در عناوین ابواب این کتاب مانند «باب طبقات الانبیاء و الرسل و الائمة»، «باب الفرق بین الرسول و النبی و المحدث»، «باب ان الائمة هم ارکان الارض»، «باب ان الائمة و لاة امرالله و خزنه علمه»، «باب ان الائمة ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الاوصیاء» و «باب الاشارة و

النص علی أمير المؤمنين»، این امر را تأیید می‌کند. از ۱۰۱۵ روایت کتاب الحججه، ۱۸۵ روایت به نقل از علی بن ابراهیم است؛ پس می‌توان منع بودن این سه کتاب برای کلینی را پیش‌بینی نمود. (ح) علی بن ابراهیم کتابی با عنوان المغازی دارد. کلینی روایات مربوط به غزوات پیامبر مانند تبوک، احد و ذات الرقاع و مسائل مرتبط با آن نظیر صلاة خوف و چگونگی تعامل با اسیران جنگی را در بخش‌های گوناگون کافی آورده است. در ابتدای سند برخی از این روایات نام علی بن ابراهیم وجود دارد مانند روایتی ذیل «باب حج النبى» (همان، ج ۴: ۲۵۱)، «باب الرفق بالاسیر و طعامه» (همان، ج ۵: ۳۵) و روایاتی در بخش روضه کافی (همان، ج ۸: ۲۷۸ و ۳۲۲). لذا محتمل است که کلینی روایات یادشده را از این منبع اخذ کرده باشد.

(خ) علی بن ابراهیم کتاب التفسیر دارد. از میان آثار حلقه‌های مشترک این دسته از روایات، تنها تفسیر قمی منسوب به علی بن ابراهیم موجود است. نتیجه تحقیقات فتاحی زاده در مقایسه میان روایات تفسیری الکافی و روایات تفسیر قمی نشانگر آن است که از مجموع ۲۷۹ روایت تفسیری علی بن ابراهیم در الکافی، ۵۳ مورد اصلاً در تفسیر قمی دیده نمی‌شود و از ۲۲۶ روایت باقی مانده، در اکثر موارد اساساً ارتباطی میان روایات کافی کلینی و تفسیر قمی به چشم نمی‌آید. تنها در ۲۰ مورد از این روایات حدی از مشابهت و همگونی میان این دو اثر دیده می‌شود. این شباهت به چند صورت است: انطباق کامل از نظر سند، اختلاف سلسله سندها در یک راوی، اختلاف سند در بیش از یک راوی و حذف سلسله سند در تفسیر قمی. براساس تحقیق وی می‌توان ابراز داشت که کتاب التفسیر علی بن ابراهیم که در فهرس بدان اشاره شده، با تفسیر قمی موجود متفاوت است (فتاحی زاده، ۱۳۸۷: ۱۶ و ۱۴۵-۱۴۸). لذا می‌توان گفت مستند کلینی در این روایات تفسیری، تفسیر قمی موجود نبوده؛ هرچند احتمال نقل وی از کتاب التفسیر قمی منتفی نیست. هم‌چنین از آنجاکه روایات تفسیری یادشده به‌نوعی در ارتباط با مسائل حوزه‌های دیگر دانش غیر تفسیر نیز هستند، می‌توان این احتمال را داد که کلینی در این‌گونه موارد از سایر کتب علی بن ابراهیم بهره برده باشد و نه از کتاب التفسیر وی و یا هم از کتاب التفسیر بهره برده باشد و هم سایر کتب علی بن ابراهیم. برای نمونه وی در شرح آیات تبلیغ و ولایت ذیل «باب ما نصّ الله عزّوجلّ ورسوله علی الانمة» روایاتی را با اسنادی آورده که آغازگر آن علی بن ابراهیم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۹). می‌توان این احتمال را داد که این روایات از کتاب فضائل

امیرالمؤمنین و یا المناقب اخذ شده باشد و نه کتاب التفسیر یا اینکه این روایت در هر دوی این کتاب‌ها موجود بوده باشد. یا ذیل «باب الصدق و اداء الامانه» روایتی را از علی بن ابراهیم آورده درباره یکی از انبیای الهی با نام اسماعیل صادق الوعد که در آیات سوره مریم از او یاد شده است (همان، ج ۲: ۱۰۵). می‌توان این احتمال را داد که این روایت اخذ شده از کتاب الانبیاء علی بن ابراهیم باشد و نه کتاب التفسیر یا اینکه اخذ از هر دو کتاب شده باشد.

د) علی بن ابراهیم کتابی با عنوان رساله فی معنی هشام و یونس دارد. هشام بن حکم یکی از مشایخ یونس بن عبدالرحمن است. با عنایت به اینکه در میان آثار سعد بن عبدالله اشعری قمی کتابی با عنوان الرد علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس دیده می‌شود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۷) و ردیه نویسی شیوه‌ای مرسوم در مباحث کلامی و عقیدتی در میان متکلمان است، می‌توان گفت که موضوع این کتاب کلامی است. ۱۳ روایت در کافی وجود دارد که در آن‌ها یونس از هشام به نقل روایت پرداخته که ۴ مورد آن در بخش اصول و ۹ مورد در بخش فروع آمده است. همچنین از مجموع ۱۲۴ روایت کافی که در سند آن‌ها هشام بن حکم حضور داشته، ۹۴ روایت در فروع و ۳۲ روایت در اصول آمده است. این امر نمایانگر آن است که به‌رغم آنکه اغلب آثار هشام در حوزه کلام معرفی شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۹۳) اما اکثر روایات آورده شده از وی در کافی مرتبط با حوزه فقه و مسائل مرتبط با احکام است. از میان ۱۳ روایت یاد شده که یونس از هشام به نقل روایت پرداخته، سند ۱۰ روایت با نام علی بن ابراهیم آغاز گشته است که در این ۱۰ مورد نیز ۲ روایت در بخش اصول و ۸ روایت در بخش فروع قرار دارد.

درخصوص چرایی این نوع رویکرد کلینی در نقل روایات هشام بن حکم باید گفت که نخستین متکلمان امامیه در برخی مسائل همچون نوع نگرش درباره خداوند موضعی مخالف با یکدیگر داشتند؛ به‌گونه‌ای که افرادی چون هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و علی بن ابراهیم در یک دسته و در سوی مقابل افرادی چون هشام بن سالم و مؤمن الطاق و کلینی قرار می‌گیرند (مادلونگ، ۱۳۹۳: ۱۷۶ و ۱۷۷). با این اوصاف می‌توان دریافت که کلینی به‌رغم بهره‌مندی از آثار متعدد استاد خویش علی بن ابراهیم از این رساله به‌عنوان منبع استفاده نکرده باشد.

ذ) در خصوص منبع بودن یا نبودن کتاب المشذر علی بن ابراهیم نمی‌توان اظهارنظری داشت؛ چراکه با جست‌وجوی در منابع، مطلبی پیرامون موضوع احتمالی آن یافت نشد. (ر) یکی از تألیفات علی بن ابراهیم کتاب قرب الإسناد است. در نگارش قرب الإسناد، تلاش مؤلف بر آن است تا احادیثی را گرد آورد که خصیصه مشترک تمام آن‌ها، کم بودن واسطه‌های مؤلف تا معصوم علیه السلام است. از این رو مؤلف به موضوعات مطرح شده در روایات کتابش نظر ندارد و تنها به این می‌اندیشد که راه‌های نزدیک به معصوم علیه السلام را بیابد (ر.ک: ستار و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۸۶). ترمس عاملی (۱۳۷۵ش) مجموعه‌ای از روایات کافی با سلسله سندهای کوتاه و واسطه‌های اندک را در اثر خویش با نام ثلاثیات الکلینی و قرب الإسناد گرد آورده است. چنان‌که وی تبیین نموده در سند بخش عمده‌ای از این روایات، علی بن ابراهیم حضور دارد مانند روایتی ذیل «باب ما يعرف به البیض» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۴۹)، «باب النرد و الشطرنج» (همان، ج ۶: ۴۳۷) و «باب الحمام» (همان، ج ۶: ۵۴۸). با این توضیحات احتمال منبع بودن این اثر برای کلینی وجود دارد.

۴. ابراهیم بن هاشم

صاحبان فهرس برای وی دو کتاب با عناوین النوادر و قضایا امیر المؤمنین را نام برده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱). در طرق صاحبان فهرس به آثار ابراهیم بن هاشم نامی از کلینی دیده نمی‌شود اما اسم علی بن ابراهیم به چشم می‌آید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱). براساس طبقات الرجال طباطبایی بروجردی، ابراهیم بن هاشم متعلق به طبقه هفتم و کلینی در زمره رجال طبقه نهم است (طباطبایی بروجردی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۴-۲۲). بدین سبب احتمال نسبت مستقیم استاد و شاگردی میان این دو منتفی است. اما با عنایت به اینکه کلینی شاگرد علی بن ابراهیم بوده و او راوی آثار پدرش می‌باشد، احتمال دسترسی کلینی به تألیفات ابراهیم بن هاشم تقویت می‌شود. نجاشی و طوسی او را نخستین کسی دانسته‌اند که حدیث کوفیان را در قم انتشار داده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱). با توجه به سختگیری قمیان که از مصادیق آن اخراج سهل بن زیاد و احمد بن محمد بن خالد برقی از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری به دلیل اتهام غلو است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹؛

نجاشی، (۱۳۶۵: ۱۸۵)، رواج احادیث ابراهیم بن هاشم در قم قرینه‌ای بر وثاقت وی به حساب می‌آید. خویی، ادعای اجماع یکی از بزرگان اقدم درباره وثاقت راوی را یکی از طرق اثبات وثاقت و حسن راویان برشمرده است. از منظر وی ادعای اجماع بر وثاقت یک راوی حتی اگر از جانب متأخران باشد، مقبول است و می‌توان بر آن اعتماد کرد. این حالت در خصوص ابراهیم بن هاشم رخ داده چراکه سید بن طاووس ادعا کرده که درباره وثاقت او اتفاق نظر وجود دارد (خویی، ۱۳۹۶: ۶۳). در موضعی دیگر با بیان اینکه تفاوتی ندارد فرد ثقه به وثاقت شخصی به‌نحو معین یا در ضمن وثاقت گروهی دیگر گواهی دهد، به تبیین برخی از توثیقات همگانی می‌پردازد. تصریح به وثاقت تمامی راویان سلسله اسناد کامل الزیارات ابن قولویه، یکی از این موارد است که در زمره آن‌ها ابراهیم بن هاشم نیز قرار دارد (همان: ۶۸). شواهد و قراین یادشده بیش از پیش احتمال بهره جستن کلینی از آثار ابراهیم بن هاشم در تألیف کافی را فزونی می‌بخشد که در ادامه به تفکیک مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف) برخی از محققان با بررسی نوادر کتب اربعه به چهارده مصداق برای تبیین این اصطلاح رسیده‌اند. مصادیقی از قبیل زیادات و مستدرک، احادیث متفرق غیرمبوّب، اخبار شاذ و غیرمشهور، احادیث کمیاب و کمتر روایت شده، احادیث غیرموجود در اصول اربعمائه و احادیث منقطع‌السند یا مرسل (حسین گلزار و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲). یافته‌های این محققان حاکی از آن است که واژه «نوادر» مشترک لفظی بوده و معانی متعددی دارد، لذا نمی‌توان به‌طور قطع ترجیح یک معنای خاص را برای آن مشخص نمود. البته آثار متعددی وجود دارد که اضافه شدن واژه نوادر به واژه دیگری در عنوان آن‌ها، تا حدی از ابهام موضوعی آن‌ها را می‌کاهد. آثاری از قبیل نوادر الفضائل و نوادر الطب شیخ صدوق (طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۴: ۳۴۷) و نوادر الصلاة سلمة بن خطاب براوستانی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۷). با دقتی در عناوین باب‌های کافی، می‌توان دریافت که در اکثر کتاب‌های کافی یک یا چند باب تحت عنوان باب النوادر، باب نوادر و باب نادر وجود دارد؛ خواه به همین صورت مطلق خواه با الفاظی که بدان اضافه شده مانند «باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته» ذیل کتاب الحجّه. با عنایت به اینکه عنوان کتاب النوادر ابراهیم بن هاشم مطلق بوده و از آن نمی‌توان به موضوع این کتاب پی برد و نیز عدم آگاهی از ملاک و معیار وی در چگونگی گردآوری روایات در این اثر، نمی‌توان درباره منبع بودن این کتاب

برای کافی کلینی اظهار نظر دقیقی کرد. اما با توجه به اینکه در سند ۱۹۶ روایت از مجموع ۶۹۸ روایتی که در ابواب نوادر و نادر کافی قرار گرفته، نام ابراهیم بن هاشم قرار دارد؛ یعنی حدود ۲۸ درصد از مجموع روایات، می توان احتمال منبع بودن النوادر ابراهیم بن هاشم را برای کافی کلینی داد. بیشتر این روایات بر حسب تعداد ذیل کتاب الجنائز، کتاب الحج، کتاب الحدود و کتاب الديات قرار گرفته اند.

ب) کتاب دیگر ابراهیم بن هاشم قضایا امیر المؤمنین نام داشت. در روایات متعددی از کافی که در سند آن ابراهیم بن هاشم حضور دارد، از قضاوت های امیر المؤمنین سخن به میان آمده است. در این روایات نام امیر المؤمنین، در سند روایت یا در متن روایت و یا هر دو موضع آمده و محتوای روایت در راستای بیان قضاوت های ایشان است. این روایات تنها محدود به کتاب القضاء و الاحکام نبوده بلکه در بخش های دیگر کافی مانند کتاب المعیشه و کتاب الديات نیز به چشم می آید (برای نمونه ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۵؛ ۲۱۱ و ج: ۷؛ ۲۶۴، ۲۸۹، ۴۱۲، ۴۲۴، ۴۲۵). با این اوصاف احتمال منبع بودن این کتاب برای کافی کلینی قابل پیش بینی است.

۵. حسن بن محبوب

برای وی آثاری را بر شمرده اند؛ کتاب المشیخه، الحدود، الديات، الفرائض، النکاح، الطلاق، النوادر، التفسیر، العتق و کتاب المراح (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۲). در میان طرق صاحبان فهارس به آثار حسن بن محبوب، اسمی از کلینی، علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم دیده نمی شود. اما شیخ طوسی در مشیخه تهذیب، طریق خود به آثار حسن بن محبوب را در قالب دو عبارت بیان می دارد. در سه طریق از هشت طریق خود با تعبیر «و من جمله ما ذکرته عن الحسن بن محبوب ما رویته بهذه الاسانید عن [محمد بن یعقوب کلینی] عن علی بن ابراهیم عن ابراهیم بن هاشم عن الحسن بن محبوب» و در پنج طریق از هشت طریق خود با تعبیر «و ما ذکرته عن الحسن بن محبوب ما اخذته من کتبه و مصنفاة فقد اخبرنی بها احمد بن عبدون عن علی بن محمد بن الزبیر القرشی عن احمد بن الحسين بن عبد الملك الازدی عن الحسن بن محبوب و أخبرنی به أيضاً أبو الحسن بن ابی جید عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی ...»، که در ادامه نامی از علی بن ابراهیم و پدرش نمی آورد (همو،

بازیابی منابع الکافی در پرتو تحلیل کارکرد حلقه مشترک با تأکید بر نقش... مهدی پیچان و نصرت نیل ساز ۲۱۹

۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۵۲ و ۵۶). شیخ طوسی او را «ثقه»، «جلیل القدر» و از «ارکان اربعه» در عصر و زمان خود معرفی کرده که دارای کتب و تصانیف فراوان است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۲). کشی او را در زمره اصحاب اجماع برشمرده که طایفه شیعه بر صحت روایات، علم و فقاہت ایشان اتفاق نظر دارند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۶). بیان طرق متعدد نجاشی و طوسی در دسترسی به آثار حسن بن محبوب خود نمایانگر اعتبار و شهرت آثار اوست (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۵۲ و ۵۶). این شواهد و قراین انگیزه بهره‌مندی کلینی از آثار حسن بن محبوب را فزونی می‌بخشد که در ادامه به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) یکی از تألیفات حسن بن محبوب کتاب الحدود است. از مجموع ۴۴۸ روایت کتاب الحدود کافی، ۲۴۴ روایت از علی بن ابراهیم، ۱۸۲ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و ۴۷ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب است. با توجه به این تعداد روایات احتمال منبع بودن کتاب الحدود حسن بن محبوب برای کافی وجود دارد. از آنجاکه در کتب فهارس و تراجم برای علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم کتاب مستقلی درباره حدود نام برده نشده، این احتمال تقویت می‌شود. در این قسمت و در راستای تعمیق گام‌های نه‌گانه ارائه‌شده در مقاله حدادی و دیگران، گامی دیگر ارائه می‌شود که عنایت به آن برای بازیابی منابع یک اثر حدیثی بسیار حائز اهمیت است. اگرچه روش ایشان بر پایه تحلیل کارکرد حلقه مشترک و توجه به مشایخ متعدد راوی بنا نهاده شده، لازم و ضروری است که به هنگام بررسی و تطبیق موضوع روایات هر طبقه از راویان با موضوع باب‌ها و بخش‌های مختلف اثر روایی مورد نظر، به شاگردانی که به نقل تعداد قابل توجهی روایت از وی پرداخته‌اند نیز توجه شود. به بیان دیگر، علاوه بر توجه به انشعابات قسمت متقدم سند و مشایخ راوی، عنایت به انشعابات قسمت متأخر سند و شاگردان و راویان برجسته وی باید در دستور کار قرار گیرد.

در صورتی که شاگردان دیگری غیر از شاگرد ذکرشده برای راوی طبقه منظور در شاخه مورد نظر وجود داشتند که به نقل تعداد قابل توجهی روایت از وی پرداخته باشند، موضوع روایات و آثار و تصنیفات ایشان نیز باید مطمح نظر واقع گردد. بررسی راویان و شاگردان طبقه دوم یعنی ابراهیم بن هاشم حاکی از آن است که هر چند راویانی مانند محمد بن الحسن صفار و محمد بن احمد بن یحیی وجود دارند که به تعداد انگشت‌شماری از وی به نقل روایت پرداخته‌اند، تقریباً

تمامی روایات او توسط علی بن ابراهیم نقل شده و لذا در این طبقه نیاز به بررسی رویان و شاگردان و انشعابات قسمت متأخر سند نیست.

اما در خصوص طبقه سوم یعنی حسن بن محبوب، ضرورت لحاظ کردن این گام جدید خود را به وضوح نشان می‌دهد. علاوه بر ابراهیم بن هاشم که در حدود ۲۱ درصد روایات حسن بن محبوب در کافی راوی نقل کرده است، افرادی چون احمد بن محمد بن عیسی اشعری و سهل بن زیاد آدمی وجود دارند که به ترتیب حدود ۲۲ و ۵۰ درصد از مجموع روایات حسن بن محبوب در کافی را نقل کرده‌اند. اگرچه رویان دیگری نیز وجود دارند که به نقل روایت از حسن بن محبوب پرداخته‌اند، عمده توجه به رویانی است که تعداد کثیری از روایات از طریق ایشان نقل شده و از رویانی که به نقل تعداد انگشت‌شماری از روایات پرداخته‌اند می‌توان چشم‌پوشی کرد. در کتاب الحدود کافی ۵۸ روایت از طریق احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد محمد بن یحیی العطار شروع‌کننده سلسله سند است. همچنین ۱۷ روایت از طریق سهل بن زیاد از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد، سلسله رویان سند با عبارت «عده من اصحابنا» آغاز گشته که مراد از آن چهار شخص با نام‌های علی بن محمد بن علان، محمد بن ابی‌عبدالله، محمد بن عقیل الکلبینی و محمد بن الحسن صفار هستند (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۲). این تعداد روایت علاوه بر ۴۷ روایتی که از طریق علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از حسن بن محبوب نقل شده، بیش از پیش احتمال منبع بودن کتاب الحدود حسن بن محبوب برای کلینی را تقویت می‌کند. از آنجاکه در کتب فهارس و تراجم و از میان افراد یادشده تنها برای محمد بن الحسن صفار کتابی با عنوان الحدود ذکر شده و با عنایت به اینکه بیشتر روایات سهل بن زیاد از طریق علی بن محمد بن علان نقل شده و تعداد روایات ابن‌علان در کافی بسیار بیشتر از محمد بن الحسن صفار است و با توجه به اینکه برای علی بن محمد بن علان تنها کتابی با عنوان اخبار القائم ذکر شده، احتمال منبع بودن کتاب الحدود حسن بن محبوب فزونی بیشتری می‌یابد.

ب) حسن بن محبوب کتابی با عنوان کتاب الدیات دارد. از مجموع ۳۶۹ روایت کتاب الدیات کافی، ۲۴۹ روایت از علی بن ابراهیم، ۱۹۷ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و ۶۸ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب است. با عنایت به تعداد فراوان روایت از

حسن بن محبوب ذیل کتاب الدیات کافی احتمال منبع بودن اثر وی برای کلینی وجود دارد. هم‌چنین در کتاب الدیات کافی ۶۳ روایت از طریق احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد محمد بن یحیی شروع‌کننده سلسله سند است. نیز ۱۶ روایت از طریق سهل بن زیاد از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد، سلسله راویان سند با عبارت «عده من اصحابنا» آغاز شده است. این تعداد روایت علاوه بر ۶۸ روایتی که از طریق علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب نقل شده، بیش از پیش احتمال منبع بودن کتاب الدیات حسن بن محبوب برای کلینی را تقویت می‌کند.

پ) از نگاهشده‌های حسن بن محبوب دو اثر کتاب النکاح و کتاب الطلاق است. از مجموع ۹۹۰ روایت کتاب النکاح کافی، ۳۴۶ روایت از علی بن ابراهیم، ۳۲۲ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و ۲۱ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب است. از مجموع ۴۹۹ روایت کتاب الطلاق کافی، ۲۴۹ روایت از علی بن ابراهیم، ۲۴۹ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و ۲۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب است. هم‌چنین در کتاب النکاح کافی ۸۸ روایت و در کتاب الطلاق ۴۳ از طریق احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد محمد بن یحیی شروع‌کننده سلسله سند است. نیز ۲۶ روایت در کتاب النکاح و ۹ روایت در کتاب الطلاق کافی از طریق سهل بن زیاد از حسن بن محبوب نقل گشته که تقریباً در تمامی موارد، سلسله راویان سند با عبارت «عده من اصحابنا» آغاز شده است. این تعداد روایت علاوه بر تعداد روایاتی که از طریق علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب نقل شده، بیش از پیش احتمال منبع بودن کتاب النکاح و کتاب الطلاق حسن بن محبوب برای کلینی را تقویت می‌کند. با توجه به تعداد روایات یادشده و با عنایت به اینکه برای افراد دیگر موجود در سلسله سندهای یادشده به جز محمد بن الحسن صفار کتابی مستقل در خصوص موضوع نکاح و طلاق ذکر نشده که البته تعداد روایات سلسله سندی که وی در آن قرار دارد به نسبت دو سلسله سند دیگر ناچیز است، احتمال منبع بودن این دو اثر از حسن بن محبوب برای کلینی وجود دارد.

ت) حسن بن محبوب کتاب العتق دارد. از مجموع ۱۱۴ روایت ذیل کتاب العتق والتدبیر والکتابه کافی، ۶۵ روایت از علی بن ابراهیم، ۶۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و ۱۰ روایت

از علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب است. همچنین ۱۶ روایت از طریق محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب نقل شده است. با توجه به این حجم از روایات و با عنایت به اینکه برای هیچ‌یک از افراد حاضر در این دو سلسله سند کتابی مستقل درباره موضوع العتق در کتب فهارس و تراجم دیده نمی‌شود، احتمال منبع بودن کتاب العتق حسن بن محبوب برای کلینی وجود دارد.

ث) از برجسته‌ترین آثار حسن بن محبوب، المشیخه است. طبرسی در إعلام الوری، کتاب المشیخه ابن محبوب را در اصول شیعه مشهورتر از کتاب المزنی و امثال آن پیش از زمان غیبت دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۵۸). این کتاب که شرح مشایخ حدیثی و روایات آنان بوده است از کهن‌ترین تألیفات در علم فقه و رجال در میان شیعه بوده است (فضلی، ۱۴۱۴ق: ۳۱). شیخ طوسی در تهذیب ذیل باب «حکم الجنابه و صفة الطهاره» و باب «المشرکین یأسرون اولاد المسلمین و ممالیکهم» با تصریح به عنوان کتاب المشیخه حسن بن محبوب به نقل از آن پرداخته است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۲۱ و ج ۶: ۱۶۰). سید بن طاووس ذیل فصل «أخبار النبى الامام على انه يقاتل الفتنه الباغية و الناکثه و المارقه»، روایاتی را از جزء اول المشیخه حسن بن محبوب نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۳۵۱). شیخ حرّ عاملی در بیان شرح حال شهید ثانی به کتاب وی که منتخبی بالغ بر هزار حدیث از مشیخه ابن محبوب است، اشاره می‌کند (حر عاملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۸۷). ابن ادریس حلی در بخش مستطرفات کتاب السرائر به بیان ۴۴ روایت از مشیخه حسن بن محبوب پرداخته است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۵۸۹-۶۰۰). تطبیق ۴۴ روایت یادشده با روایات کافی حاکی از آن است که تعداد ۱۸ روایت از مجموع این روایات در کافی آورده شده که تنها در سند ۳ روایت ترتیب اسامی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم و حسن بن محبوب دیده می‌شود. بخش عمده این روایات با سند محمد بن یحیی، احمد بن محمد بن عیسی و حسن بن محبوب نقل شده است. با این اوصاف می‌توان این احتمال را داد که مشیخه حسن بن محبوب منبع کلینی بوده باشد. با این توضیح که کلینی در اکثر موارد از طریق روایت محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی به نقل از کتاب او پرداخته و در موارد اندکی از طریق روایت علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم به این امر اقدام نموده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که منبع کلینی در این روایات آثار علی بن ابراهیم، ابراهیم بن

هاشم، محمد بن یحیی و احمد بن محمد عیسی اشعری باشد و در واقع مشیخه حسن بن محبوب برای او منبع منبع بوده باشد.

ج) حسن بن محبوب کتابی با عنوان الفرائض دارد. کلینی در قالب ۳ روایت از کتاب الموارث، از کتابی با عنوان صحیفه الفرائض سخن می‌گوید که به املاي رسول الله ﷺ و خط علی عليه السلام نوشته شده و در خصوص مسائل و احکام ارث است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۷، ۸۱، ۹۴، ۹۸). در قسمت پایانی سند یکی از این روایات اسامی حسن بن محبوب، علی بن رثاب و زراره دیده می‌شود (همان، ج: ۷، ۹۴). سفیان ثوری (م ۱۶۱) کتابی با عنوان الفرائض دارد که به روایت محمد بن سلیمان بن حارث واسطی از مشایخ خویش از سفیان ثوری است و در آن به بیان شقوق مختلف مسائل مرتبط با ارث و سهم هریک از خویشان و نزدیکان پرداخته است. تنها اثر فقهی خواجه نصیرالدین طوسی با نام جواهر الفرائض (۱۴۳۲ق) قرینه دیگری برای پی بردن به موضوع کتاب الفرائض ابن محبوب است. طوسی در این کتاب به تبیین و تشریح قواعد و اصول لازم برای تعیین سهم الارث پرداخته است. با توجه به قراین و شواهد یادشده می‌توان احتمال داد که موضوع کتاب الفرائض حسن بن محبوب درباره مسائل مرتبط با ارث و میراث است. از ۳۱۰ روایت کتاب الموارث کلینی، سند ۲۲ روایت با طریق علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب آغاز می‌شود. همچنین ۵۸ روایت از طریق محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب و ۴۸ روایت از طریق سهل بن زیاد از حسن بن محبوب نقل شده که تقریباً در تمامی موارد، سلسله راویان سند با عبارت «عده من اصحابنا» آغاز شده است. همچنین از ۲۴۰ روایت کتاب الوصایا کلینی، سند ۴ روایت به صورت علی بن ابراهیم از پدرش از حسن بن محبوب شروع می‌گردد. جالب توجه آنکه موضوع تمامی این ۴ روایت درباره وصیت پیرامون ارث و میراث است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۷، ۲۹، ۳۵، ۳۹، ۴۵). با عنایت به توضیحات یادشده احتمال منبع بودن این کتاب برای کلینی وجود دارد.

چ) حسن بن محبوب کتاب النوادر دارد. پیش از این ذیل نام ابراهیم بن هاشم درباره عنوان نوادر و نادر سخن گفته شد. با توجه به مطلق بودن عنوان این کتاب و عدم آگاهی از معیار و ملاک ابن محبوب در چگونگی تدوین و تألیف این کتاب، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی درباره منبع بودن آن کرد. اما با عنایت به اینکه تعداد انگشت‌شماری روایت در باب‌های نوادر و نادر کافی

وجود دارد که در سند آن حسن بن محبوب حضور داشته باشد، احتمال منبع بودن النوادر وی کمتر می شود؛ چراکه افراد دیگری چون ابراهیم بن هاشم و ابن ابی عمیر وجود دارند که صاحب کتاب النوادر بوده و در سند اکثر روایات این ابواب نام آن ها دیده می شود. البته در همین موارد انگشت شمار نیز کلینی نه از طریق علی بن ابراهیم از پدرش بلکه از طریق محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از حسن بن محبوب به نقل روایت اقدام نموده است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۶۰؛ ج ۷: ۶۲، ۲۶۰، ۲۶۳). به بیان دیگر بر فرض منبع بودن النوادر حسن بن محبوب که احتمالش بسیار اندک است، دسترسی کلینی به این منبع به واسطه روایت علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم نبوده است.

ح) حسن بن محبوب کتاب التفسیر دارد. روایات فراوانی در کافی وجود دارد که از جهاتی همچون تفسیر و استشهاد با آیات قرآن در پیوند هستند. با دقتی در سند این روایات می توان دریافت که نام حسن بن محبوب در موارد انگشت شماری از آن ها وجود دارد (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۱۱ و ج ۴: ۱۸۸). در همین موارد اندک، سند روایت با نام علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم و حسن بن محبوب شروع می شود. با توجه به کثرت روایاتی که کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش به طرق گوناگون در این زمینه نقل می کند (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۹؛ ج ۲: ۳۸۹؛ ج ۸: ۳۰۴)، احتمال منبع بودن کتاب التفسیر علی بن ابراهیم برای وی بسیار بوده و در مقابل با عنایت به قلت روایات حسن بن محبوب در این زمینه، احتمال منبع بودن کتاب وی بسیار اندک است.

خ) حسن بن محبوب کتابی با عنوان المراح دارد. درباره موضوع احتمالی این کتاب نمی توان سخنی بیان داشت؛ زیرا با جست و جوی در منابع، مطلبی پیرامون موضوع احتمالی آن یافت نشد. لذا درباره منبع بودن یا نبودن این کتاب برای کلینی نمی توان اظهار نظر کرد.

۶. علی بن رئاب کوفی

برای وی تألیفاتی بیان نموده اند: کتاب الوصیه، الامامه، الدیات و اصل. در طرقی که صاحبان فهرس به آثار علی بن رئاب کوفی نقل کرده اند، اسمی از کلینی، علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم دیده نمی شود اما نام حسن بن محبوب وجود دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۰؛ طوسی،

بازیابی منابع کافی در پرتو تحلیل کارکرد حلقه مشترک با تأکید بر نقش... مهدی پیچان و نصرت نیل ساز ۲۲۵

۱۴۲۰ق: ۲۶۳). وی مؤلف یکی از اصول اربع مائه بوده و شیخ طوسی از او با صفات «تقه» و «جلیل القدر» نام می‌برد (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۳). هرچند راویانی مانند درست بن ابی منصور و محمد بن ابی عمیر وجود دارند که روایات انگشت‌شماری از وی نقل کرده‌اند، تقریباً تمامی روایات او توسط حسن بن محبوب نقل شده و لذا در این طبقه نیاز به بررسی راویان و شاگردان و انشعابات قسمت متأخر سند نیست.

الف) علی بن رئاب کتاب الوصیه دارد. در سند ۱۰ روایت از کتاب الوصایا کافی، نام وی دیده می‌شود و تنها در دو روایت ابتدای سند به صورت علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب است. لذا احتمال منبع بودن این کتاب برای کلینی وجود دارد.

ب) یکی از آثار علی بن رئاب کتاب الامامه است. کلینی احادیث مرتبط با مسئله امامت را به طور خاص و مشخص ذیل کتاب الحججه آورده است. در سند ۱۵ روایت از کتاب الحججه، نام علی بن رئاب به چشم می‌آید و تنها در دو روایت سند با اسامی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب آغاز می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ۳۶۹ و ۵۳۵). با این اوصاف احتمال منبع بودن این کتاب برای کلینی وجود دارد. نکته حائز اهمیت آنکه کلینی در این بخش نیز بیشتر روایات خود از حسن بن محبوب از علی بن رئاب را از طریق روایت محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری نقل کرده است و نه از طریق علی بن ابراهیم از پدرش (برای نمونه ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ۲۴۱، ۲۶۱، ۲۸۱).

پ) علی بن رئاب کتاب الدیات دارد. از مجموع ۳۶۹ روایت کتاب الدیات کافی، در سند ۲۶ روایت علی بن رئاب حضور دارد و در ۹ روایت سلسله سند مورد نظر این نوشتار یعنی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب تکرار شده است. لذا محتمل است که این کتاب برای کلینی منبع بوده باشد. با توجه به اینکه حسن بن محبوب نیز دارای کتاب الدیات است، احتمال می‌رود کتاب ابن محبوب منبع کلینی و کتاب علی بن رئاب منبع حسن بن محبوب و منبع منبع برای کلینی بوده باشد. در این بخش نیز سند محمد بن یحیی، احمد بن محمد عیسی، حسن بن محبوب و علی بن رئاب فراوانی بالایی دارد (برای نمونه ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۷، ۳۱۰، ۳۵۱، ۳۵۷).

ت) علی بن رئاب صاحب اصل معرفی شده است. شیخ بهایی در مشرق الشمسین با تقسیم احادیث معتبر به صحیح، حسن و موثق و با اذعان به تفاوت ملاک‌ها و معیارهای صحت حدیث نزد متقدمان و متأخران، یکی از قراین صحت حدیث نزد علمای متقدم شیعه را وجود آن در چند اصل یا تکرار آن در یک اصل دانسته است. نیز از دیگر شواهد صحت حدیث را وجود آن در یک اصل که صاحب اصل از اصحاب اجماع بوده باشد مانند عمار ساباطی برشمرده است (شیخ بهایی، ۱۴۲۹ق: ۲۶۹). در مجموع روایات کافی کلینی، ۳۵۸ روایت وجود دارد که در سند آن نام علی بن رئاب دیده می‌شود. در اکثر قریب به اتفاق این روایات یعنی تعداد ۳۴۲ روایت، حسن بن محبوب راوی روایت علی بن رئاب است. در سلسله سند ۷۳ روایت نیز ترتیب اسامی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب دیده می‌شود. با عنایت به توضیحات یادشده احتمال منبع بودن اصل علی بن رئاب برای کلینی وجود دارد.

۷. زرارة بن أعین

به‌رغم آنکه شیخ طوسی وی را دارای اصول و تصانیف فراوان معرفی می‌کند، تنها به کتاب الاستطاعة والجبر وی تصریح می‌دارد؛ همان کتابی که نجاشی نیز تنها بدان اشاره می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۰۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۵). بنابر طرق نجاشی و شیخ طوسی به آثار زراره، اسمی از کلینی، علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب دیده نمی‌شود. همچنین در مشیخه شیخ صدوق به هنگام معرفی طریق خود به آثار زراره، نامی از افراد یادشده دیده نشد (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴۲۱-۵۵۲) و در مشیخه شیخ طوسی نیز اساساً نامی از زراره وجود ندارد. کلینی به‌طور خاص و مشخص ذیل کتاب التوحید در ابوابی مانند «باب الاستطاعة» و «باب الجبر و القدر و الأمر بین الأمرین»، روایات مرتبط با موضوع استطاعت و جبر را آورده است. در تمامی روایات این ابواب نه تنها سلسله سند مورد نظر این نوشتار دیده نشد بلکه اساساً نام زراره نیز در سند هیچ روایتی مشاهده نگردید. لذا بررسی راویان دیگر زراره علاوه بر علی بن رئاب کوفی که تعداد قابل توجهی روایت از وی نقل کرده‌اند مانند حریر بن عبدالله سجستانی، عبدالله بن بکیر، عمر بن اذینه، جمیل بن دراج و أبان بن عثمان در اینجا موضوعیت پیدا نمی‌کند و منبع بودن کتاب الاستطاعة و الجبر زراره برای کلینی منتفی است.

۸. نتیجه‌گیری

هرچند بازیابی منابع یک اثر حدیثی بر پایه تحلیل کارکرد حلقه مشترک و توجه به مشایخ متعدد راوی، روشی راهگشاست، ضروری می‌نماید که به هنگام بررسی و تطبیق موضوع روایات هر طبقه از روایان با موضوع بخش‌های مختلف اثر روایی مورد نظر، به شاگردانی که به نقل تعداد قابل توجهی روایت از وی پرداخته‌اند نیز توجه شود. به سخن دیگر، علاوه بر توجه به انشعابات قسمت متقدم سند و مشایخ راوی، عنایت به انشعابات قسمت متأخر سند و شاگردان و روایان برجسته وی لازم و ضروری است. این امر به‌خصوص در سلسله سند مورد تحقیق این نوشتار یعنی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب، علی بن رئاب، زراره و حلقه مشترک حسن بن محبوب قابل مشاهده است؛ چراکه عمده روایات او در کافی از طریق احمد بن محمد بن عیسی نقل شده و نه ابراهیم بن هاشم. براساس ارزیابی‌های صورت‌گرفته چهار حلقه مشترک علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب و علی بن رئاب در سلسله سند مورد نظر شناسایی شدند. با احتمال بسیار زیاد علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم منبع مستقیم کلینی بوده‌اند. روایات علی بن رئاب به احتمال زیاد به واسطه آثار حسن بن محبوب به کلینی رسیده است. در واقع در این موارد آثار ابن رئاب منبع منبع برای کلینی بوده‌اند. براساس تحلیل‌های انجام گرفته می‌توان این احتمال جدی را مطرح کرد که کلینی از آثار حسن بن محبوب بهره برده باشد با این توضیح که در مواردی که طریق علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم را ذکر می‌کند، بیشتر به واسطه آثار علی بن ابراهیم از تألیفات حسن بن محبوب بهره جسته است. اما در مواردی که از طریق محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از آثار حسن بن محبوب به اخذ روایت اقدام نموده بیشتر از روایات محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن محبوب بهره جسته است و نه از تألیفات آنان.

پی‌نوشت‌ها

۱. تعریف یادشده براساس تعریف سزگین از پدیده حلقه مشترک است (سزگین، ۱۳۸۰: ۱۲۱). بنا به تعریف ساخت، مراد از حلقه مشترک فردی است که روایت را از مرجعی دریافت و برای شاگردان خود نقل کرده است. به بیان دیگر، روایان متعددی به نقل روایت از او اقدام نموده‌اند و پس از نام وی در سوی متأخر سند،

پراکندگی و انشعاب دیده می‌شود (ساخت، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۲۳). تفاوت دیگر آنکه سزگین از پدیده حلقه مشترک در بررسی مجموعه اسانید روایات یک اثر روایی و به منظور بازیابی منابع آن بهره می‌برد، در حالی که ساخت از پدیده حلقه مشترک در بررسی تحریرهای مختلف یک دسته روایت و به منظور تاریخ‌گذاری آن استفاده می‌کند؛ چنان‌که آشکار است در این مقاله تعریف سزگین مد نظر است.

۲. آمار و ارقام ذکرشده در سرتاسر مقاله با استفاده از نرم‌افزار درایة النور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بیان شده است.

۳. هر جا نام کتاب به صورت غیر مورب آمده، منظور بخش‌های الکافی است که عنوان کتاب دارد.

منابع

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة الی تصانیف الشیعه. قم-تهران: انتشارات اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة.

ابن‌ادریس حلّی، احمد بن‌ادریس. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجامعة المدرسین.

ابن‌بابویه، محمد بن‌علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن‌طاووس، علی بن‌موسی. (۱۳۸۵ش). التشریف بالمتن فی تعریف بالفتن. قم: مؤسسه صاحب‌الامر.

ابن‌غضائری، احمد بن‌حسین. (۱۳۶۴ش). الرجال. تحقیق محمدرضا حسینی. قم: دارالحدیث.

اثباتی، اسماعیل و طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۳ش). جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی. علوم حدیث، شماره ۷۱، ۲۹-۵۲.

باقری، حمید. (۱۳۹۶ش). الکافی و روایات اسحاق بن‌محمد آخمر نخعی تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق. علوم قرآن و حدیث، شماره ۹۸، ۹-۲۸.

ترمس عاملی، امین. (۱۳۷۵ش). ثلاثیات کلینی و قرب الاسناد. قم: دارالحدیث.

ثوری، سفیان بن‌سعید. (۱۴۱۰ق). الفرائض. ریاض: دارالعاصمه.

حدادی، آمنه، غروی نائینی، نهله و رحمتی، محمداکظم. (۱۴۰۰ش [الف]). تحلیل انتقادی روش محمداکظم حدادی، آمنه، غروی نائینی، نهله و رحمتی، محمداکظم. (۱۴۰۰ش [ب]). تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازبازی منابع آثار روایی. مطالعات فهم حدیث، شماره ۱۵، ۱۳۳-۱۵۴.

حدادی، آمنه، غروی نائینی، نهله و رحمتی، محمداکظم. (۱۴۰۰ش [ب]). تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازبازی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی روایات علی بن‌ابراهیم در الکافی. علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۰۷، ۲۷۱-۲۹۳.

بازیابی منابع کافی در پرتو تحلیل کارکرد حلقه مشترک با تأکید بر نقش... مهدی پیچان و نصرت نیلساز ۲۲۹

10.22052/HADITH.2023.248387.1253

حزّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۵ش). امل الآمل. تحقیق احمد حسینی. بغداد: مکتبه الاندلس.
حسین گلزار، مریم، طباطبایی، سید کاظم و جلالی، محدی. (۱۳۹۷ش). معنانشناسی تاریخی مفهوم نوادر و
ابهام‌زدایی از آن با بررسی موردی باب النوادر کتب اربعه. مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۳، ۱۹۹-۲۲۴.
خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶ش). درآمدی بر علم رجال. ترجمه و تحقیق عبدالهادی فقهی‌زاده. تهران: انتشارات
امیرکبیر.

ستار، حسین و منوچهری نائینی، محمدرضا. (۱۴۰۰ش). قرب الاسناد در نگارش‌های امامیه. حدیث‌پژوهی،
شماره ۲۵، ۱۵۵-۱۸۶.

سرخه‌ای، احسان. (۱۳۸۴ش). کتب مسائل در نگارش‌های حدیثی با تأکید بر مسائل علی بن جعفر. علوم
حدیث، شماره ۳۷ و ۳۸، ۳۲-۴۷.

سرخه‌ای، احسان. (۱۳۸۸ش). کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف کافی. علوم حدیث، شماره ۵۱، ۳۴-۵۸.
سزگین، فواد. (۱۳۸۰ش). تاریخ نگارش‌های عربی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
شاخ، یوزف. (۱۳۹۳ش). سند شاهی برای تاریخ‌گذاری حدیث. ترجمه مهرداد عباسی. تاریخ‌گذاری
حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها. تهران: انتشارات حکمت.

شیری، محمدجواد. (۱۴۱۹ق). الکاتب النعمانی و کتابه الغیبه. علوم الحدیث، شماره ۳، ۱۸۷-۲۳۸.
شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۴۲۹ق). مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین. مشهد: مجمع البحوث
الاسلامیه.

طباطبایی بروجردی، سید حسین. (۱۴۰۹ق). تجرید الأسانید و تنقیحها. تدوین میرزا مهدی صادقی. مشهد:
آستان قدس رضوی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۴۳۲ق). جواهر الفرائض. قم: مؤسسه فقه‌الثقلین الثقافیه.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تحقیق حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب
الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول. قم:
مکتبه المحقق الطباطبایی.

عمادی حائری، سید محمد. (۱۳۸۷ش). مسائل محمد بن مسلم در کافی کلینی. کنگره بین‌المللی ثقة‌الاسلام
کلینی، ۴۷-۷۶.

عمادی حائری، سید محمد. (۱۳۹۴ش). بازسازی متون کهن حدیث شیعه. قم: دارالحدیث.
فتاحی‌زاده، فتحیه. (۱۳۸۷ش). اعتبارسنجی روایات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی. مطالعات اسلامی،
شماره ۸۰، ۱۴۳-۱۵۹.

۲۳۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ص ۲۰۵-۲۳۶

- فضلی، عبدالهادی. (۱۴۱۴ق). اصول علم الرجال. بیروت: مؤسسه ام القرى.
- قربانی، محمد. (۱۳۹۴ش). اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی. حدیث حوزه، شماره ۱۰، ۱۱۳-۱۳۶.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۹۳ش). مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانی. ترجمه جواد قاسمی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مددی، سید احمد. (۱۳۹۴ش). گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد مددی موسوی. بازسازی متون کهن حدیث شیعه. تألیف و تدوین محمد عمادی حائری. قم: دارالحدیث.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین. (۱۳۸۳ش). میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین هجری. قم: اعتماد.
- ملکی تراکمه‌ای، محمود. (۱۳۹۶ش). بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار اهوازی با تکیه بر بخش اصول الکافی. حدیث حوزه، شماره ۱۴، ۴۵-۶۸.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین.
- نیل‌ساز، نصرت. (۱۳۹۳ش). تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی. پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۴۷، ۳۲۱-۳۴۶.

References

- AghBozorg Tehrani, M. (1987). *Al-Dhari ah*. Qom-Tehran: Ismaili Publications and the Islamic Library. [In Arabic]
- Baqeri, H. (2017). al-Kāfī and the traditions of Ishaq ibn Muḥammad Ahmar Nakha'i: An attempt to identify the source of the Kulayni in the traditions of Ishaq. *Sciences of the Quran and Hadith*, No. 98, 9-28. [In Persian]
- Emadi Ha'eri, M. (2015). *Reconstruction of ancient Shi a hadith texts*. Qom: Darul-Hadith. [In Persian]
- Emadi H a'eri, M. (2008). Issues of Muhammad ibn Muslim in Al-Kafi Al-Kulaini. *International Congress of Thiqa al- Islam Al- Kulaini*, 47-76.
- Ethbati, I. & Tabatabaei, S. (2014). A Study on the Sources of Historical Data for the Book of al-Kāfī. *Hadith Sciences*, No. 71, 29-52. [In Persian]
- Fadli, A. (1993). *Principles of the Science of Rijāl*. Beirut: Umm al-Qura Institute. [In Arabic]

- Fatahizadeh, F. (2008). Validation of the interpretive traditions of Ali ibn Ibrāhīm in Qomi's Tafsir. *Islamic Studies*, No. 80, 143-159. [In Persian]
- Haddadi, A, Nilsaz, N., Gharavi Naini, N. & Rahmati, M. (2021 [B]). Analysis of the function of the common throat in retrieving sources of traditions; a case study of the traditions of Ali ibn Ibrāhīm in Al-Kāfī. *Quranic and Hadith Sciences*, No. 107, 271-293. [In Persian]
- Haddadi, A. & Nilsaz, N., Gharavi Naini, N. & Rahmati, M. (2021 [A]). A critical analysis of Muḥammad Javad Shubairi's method in retrieving sources of traditions. *Studies in Understanding Hadith*, No. 15, 133-154. [In Persian]
- Hurr-Aamili, M. (2006). *Amal al-Amel. Research by Aḥmad Hussaini*. Baghdad: Maktaba al-Andalus. [In Arabic]
- Huseyn Golzar, M., Tabatabaei, S. & Jalali, M. (2018). Historical semantics of the concept of rare and its dīṣāmbiguation with a case study of the chapter of rare in the four books. *Quran and Hadith Studies*, No. 23, 199-224. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. (1992). *Man La Yahzoroh al-Faqih*. Research by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Teachers' Association of the Seminary. [In Arabic]
- Ibn Ghazairi, A. (1985). *Al-Rijāl*. Research by Muḥammad Reza Husayni. Qom: Dar al-Ḥadith. [In Arabic]
- Ibn Idris Hilli, A. (1989). *Al-Sarā'ir al-Hawi Le Fatawa*. Qom: Islamic Publishing Foundation of the Teachers' Association. [In Arabic]
- Ibn Ṭāwūs, A. (2006). *Al-Tashrif*. Qom: Sahib al-Amr Institute. [In Arabic]
- Kashi, M. (1988). *Rijāl al-Kashi*. Mashhad: University Publishing Institute. [In Arabic]
- Khoi, A. (2017). *An introduction to the science of Rijāl*. Translated and researched by Abd ol-Hadi Feqhi-zadeh. Tehran: Amir-Kabir Publications. [In Persian]
- Kulayni, M. (1986). *Al-Kāfī*. Research by Ali Akbar Ghaffari and Muḥammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Madadi, S. (2015). *Conversation with Ayatollah Seyyed Aḥmad Madadi Mousavi*. Reconstruction of Ancient Shi'a Ḥadith Texts. Compiled and compiled by Muḥammad Emadi Ha'eri. Qom: Dar al-Ḥadith. [In Persian]

- Madelong, W. (2014). *Islamic Schools and Sects in the Middle Ages*. Translated by Javad Ghasemi. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Maleki Tarakameh'e, M. (2017). Retrieval and validation of the works of Ali ibn Mahziyar al-Ahwazi based on the section on the principles of al-Kāfī. *Ḥadith Hawza*, No. 14, 45-68. [In Persian]
- Modarresi Tabataba'i, S. (2004). *Shi'a Written Heritage in the First Three Centuries of the Hijri*. Qom: Etamad. [In Arabic]
- Najāshī, A. (1986). *Rijāl*. Qom: Islamic Publishing Institute for the Society of Teachers. [In Arabic]
- Nilsaz, N. (2014). Explanation and evaluation of Sezgin's theory on identifying and reconstructing the sources of traditional communities. *Quran and Ḥadith Research*, No. 47, 321-346. [In Persian]
- Qorbani, M. (2015). Frequent Isnads of Al-Kāfī's Written Sources. *Ḥadith Hawza*, No. 10, 113-136. [In Persian]
- Sattar, H. & Manouchehri Naeni, M. (2021). qorb ol-isnad in Imamiyyah writings. *Ḥadith Studies*, No. 25, 155-186. [In Persian]
- Schacht, J. (2014). *Isnad Evidence for Dating Ḥadith*. Translated by Mehrdad Abbasi. Dating Ḥadith: Methods and Examples. Tehran: Hekmat Publications.
- Sezgin, F. (2001). *History of Arabic Writings*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Sheikh Baha'i, M. (2008). Mashreq ol-shamsain. Mashhad: Majma' al-Bhooth al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Shubairi, M. (1998). Al-Katib al-Nu'mani and the Book of the Al-gheybah. *Ḥadith Sciences*, No. 3, 187-238. [In Arabic]
- Sorkhei, E. (2005). Book of Al-masael in Ḥadith Writings with Emphasis on the Al-masael of Ali ibn Jafar. *Ḥadith Sciences*, No. 37 and 38, 32-47. [In Persian]
- Sorkhei, E. (2009). The Book of Al-Halabi; A Written Source Compiled by Kafi. *Ḥadith Sciences*, No. 51, 34-58.
- Tabarsi, F. (1996). *E lam ol- Wara*. Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic]

- Tabataba'i Borujerdi, S. (1989). *Tajrid ol- asanid*. Compiled by Mirza Mahdi Sadeghi. Mashhad: Astan Quds Raḍavi. [In Arabic]
- Termes Ameli, A. (1996). *The Tholathyat of the Kulayni and the proximity of the chains of transmission*. Qom: Dar ol-Ḥadith. [In Arabic]
- Thawri, S. (1989). *Al-Farā'id*. Riyāḍ: Dar ol-Asma. [In Arabic]
- Ṭūsī, K. (2010). *Jawaher ol-faraed*. Qom: Al-Thaqalayn Institute of Fiqh. Al-Thaqalayn Al-Thaqafiya. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. (1986). *Tahdhib al-Ahkam*. Researched by Hasan Mousavi Khurasan. Tehran: Darul-Kutb al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. (1999). *Al-Fehrest*. Qom: Maktaba al-Muhaqq al-Tabatab'iyyah. [In Arabic]



Retrieving al-Kafī's Sources in the Light of the Analysis of the Function of the Common link with Emphasis on the Role of the Common link of Ḥasan ibn Maḥbūb

Mahdi Pichan

PhD Student in Quran and Ḥadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: mehdi_pichan@modares.ac.ir

Nosrat Nilsaz

Associate Professor, Department of Quran and Ḥadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: nilsaz@modares.ac.ir

Received: 02/10/2022

Accepted: 04/03/2023

Introduction

Since the late second century, the study of the reliability of ḥadith among Shi'a traditionists was based more on the bibliographic analysis of ḥadith; that is, the criticism and examination of the ḥadith text based on the book from which it was taken and not on the basis of the chain of transmitters of ḥadith. Over time, and due to the presence of contextual and temporal elements, the approach of Shi'a traditionists changed from bibliographic analysis to Rijāl analysis. The turning point of this change was clearly manifested and emerged in the Rijāl views of Ibn Ṭawūs al-Ḥillī (d. 1274) and Muḥaqqiq al-Ḥillī (d. 1277). With the dominance of the Ḥillah school of Rijāl, the status of the Rijāl became the basis for accepting and rejecting ḥadith, and the bibliographical benefits were neglected unconsciously. Regarding these considerations one can understand the importance of identification the sources of early compilatory works for the bibliographic analysis of ḥadith and determining the authenticity and reliability of traditions. Among the early Shi'a ḥadith sources, the identification of the sources of al-Kafī, the earliest book in the collection of the four books of Shi'a ḥadith, is of particular importance. Unlike Sheikh al-Ṣadūq in *Man lā yaḥḍrah al-Faqīh* and Sheikh al-Ṭūsī in *al-Taḥdhīb* and *al-Istibṣār*, al-Kulayni neither introduced his sources in the introduction to al-Kafī nor, like Sheikh al-Ṣadūq and Sheikh al-Ṭūsī, did he include a separate section called al-Mashikha for al-Kafī.

Materials and Methods

In this article, using a systematic model for retrieving sources of ḥadith texts, which is defined in the form of nine steps based on the role of the common link in the Isnad of traditions, and by providing some points to deepen it, the common links in a group of frequently repeated Isnads of traditions of al-Kāfī, namely Ali ibn Ibrāhīm from Ibrāhīm ibn Hāshim from Ḥasan ibn Maḥbūb

from Ali ibn Ri'ab from Zurarah, have been identified and their function has been analyzed. These nine steps are: 1. Extracting and categorizing isnads; 2. Determining common links; 3. Identifying common author links; 4. Examining the function of common author links; 5. Ensuring the attribution and title of the book; 6. Comparing texts; 7. Matching methods with the isnad of traditions; 8. Thematic-statistical examination; 9. Examining secondary evidence. The common link refers to a transmitter who is repeated in the Isnads of a collection of traditions of a narrative work (monograph or comprehensive tradition) and who has multiple sheikhs, and therefore there is dispersion and branching after his name in the earlier chain of tradition. The aforementioned definition is based on Sezgin's definition of the common link phenomenon and differs from Schacht's definition of this phenomenon. In order to demonstrate the necessity of paying attention to the branches of the later part of the chain of transmission and the prominent disciples of a transmitter, while paying attention to the branches of the earlier part of the chain of transmission and the teachers of a transmitter in order to retrieve sources, in this study, steps three to nine have been taken under the name of each category of transmitters. With this action, the thematic connection of their works with different parts of the book of al-Kafi is examined, and the possibility of their being a source, a source of a source, or a transmitter for al-Kulayni is examined.

Results and Findings

Although the aforementioned method is based on analyzing the function of the common link and paying attention to the transmitter's multiple sheikhs, it is necessary to also pay attention to the students who have quoted a significant number of traditions from him when examining and comparing the subject matter of each category of transmitters with the subject matter of the various chapters and sections of the narrative work. In other words, in addition to paying attention to the branches of the early part of the chain of transmission and the transmitter's sheikhs, attention should be paid to the branches of the later part of the chain of transmission and his students and prominent transmitters. If there were other students other than the student mentioned for the transmitter of the category in question in the branch in question who narrated a significant number of traditions from him, the subject of their traditions and works and compositions should also be considered. A study of the students of the second category, Ibrāhīm ibn Hāshim, indicates that although there are transmitters such as Muḥammad ibn al- Ḥasan Saffar and Muḥammad ibn Aḥmad ibn Yaḥya who have narrated a handful of traditions from him, almost all of his traditions were narrated by Ali ibn Ibrāhīm, and therefore, in this category, there is no need to examine the transmitters, students, and branches of the later part of the chain of transmission. But in the case of the third category, namely Ḥasan ibn Maḥbūb, the necessity of

considering this new step clearly shows itself because the majority of his traditions in al-Kafī are narrated through Aḥmad ibn Muḥammad ibn 'īsā and not Ibrāhīm ibn Hāshim. In addition to Ibrāhīm ibn Hāshim, who narrated about 21 percent of Ḥasan ibn Maḥbūb's traditions in al-Kafī, there are transmitters like Aḥmad ibn Muḥammad ibn 'īsā Al-Ash'ari and Sahl ibn Ziyad al-Adami, who narrated about 50 and 22 percent of the total traditions of Ḥasan ibn Maḥbūb in al-Kafī, respectively. Although there are other transmitters who have narrated traditions from Ḥasan ibn Maḥbūb, the main focus is on transmitters that a large number of traditions have been transmitted through them, and transmitters who have narrated a small number of traditions can be ignored.

Conclusion

Based on the evaluations, four common links of Ali ibn Ibrāhīm, Ibrāhīm ibn Hāshim, Ḥasan ibn Maḥbūb, and Ali ibn Riab were identified in the chain of transmission in question. It is very likely that Ali ibn Ibrāhīm and Ibrāhīm ibn Hāshim were the direct sources of al-Kulayni. It is very likely that Ali ibn Ri'ab's traditions reached al-Kulayni through the works of Ḥasan ibn Maḥbūb. In fact, in these cases, the works of Ibn Ri'ab were the source of a source for al-Kulayni. Based on the analyses conducted, it can be seriously suggested that al-Kulayni used the works of Ḥasan ibn Maḥbūb, with the explanation that in cases where he mentions the path of Ali ibn Ibrāhīm from Ibrāhīm ibn Hāshim, he mostly used the works of Ḥasan ibn Maḥbūb through the works of Ali ibn Ibrāhīm. However, in cases where he attempted to obtain traditions from the works of Ḥasan ibn Maḥbūb through Muḥammad ibn Yaḥya from Aḥmad ibn Muḥammad ibn 'īsā, she mostly used the traditions of Muḥammad ibn Yaḥya and Aḥmad ibn Muḥammad, rather than their writings.

Keywords: Resource retrieval, common link, al-Kafī, Ali ibn Ibrāhīm Qummi, Ḥasan ibn Maḥbūb.